

سیاست ترویج بنیادگرایی و بالکانیزه‌سازی خاورمیانه پس از بیداری اسلامی: تهدیدات پیش روی جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن

رضا التیامی^۱

چکیده

حوادث و رویدادهای جاری در جهان اسلام، محیط سیاسی جهان اسلام و جامعه جهانی را به شدت تغییر داده است. تحولات بیداری اسلامی، کشورهای متعدد اسلامی از آفریقای غربی تا جنوب فیلیپین و نیز مسلمانانی که در سایر نقاط جهان پراکنده هستند را تحت تاثیر قرار داده است. تلاش اروپائیان برای تحت کنترل درآوردن و مطیع ساختن خاورمیانه و ایران به دوران حمله بریتانیا، صلیبیون و رومیان بر می‌گردد. دومین راه برای تصرف سرزمینهای وسیع منطقه، ایجاد تفرقه و آشوب و تجزیه کردن آنها به یکسری قلمروها و کشورهای در حال منازعه و اختلاف بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آمریکا و غرب به منظور جلوگیری از اتحاد کشورهای اسلامی و به ثمر رسیدن مبارزات مردم مسلمان از زمان بیداری اسلامی در خاورمیانه تا کنون، از تاکتیک‌های مختلف از جمله جنگ شیعه و سنی، تشکیل گروههای تروریستی نظیر وهابیت و دعش، پیشبرد صلح اعراب و اسرائیل - جلوگیری از اعمال اراده کشورهای نفت خیز بر قیمت گذاری و عرضه مستقیم نفت - خطر ساز جلوه دادن ایران، عراق و سوریه و بهانه جویی برای حضور دائمی در این کشورها و فشار برای تجزیه این کشورها جهت دور نگه داشتن آنها از محور مقاومت و ایران و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران استفاده می‌شوند.

واژگان کلیدی: بالکانیزه سازی، ایران، بیداری اسلامی، بنیادگرایی، تهدیدات.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده حقوق و سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

رابرت کوپر معتقد است ما در میان خود بر اساس قوانین و همکاری های امنیتی عمل می کنیم اما در کشورهای سنتی خارج از اروپا از روشهای سخت تر از سابق، نظیر خشونت، حملات پیشگیرانه، فریب و هر آنچه لازم است استفاده می کنیم. ما در میان خود به قانون نگاه می کنیم اما در بین دیگران به قانون جنگل رجوع می کنیم. بر طبق نظرات چاسودوسکی درباره جهانی سازی جنگ، تز کمر بند یا ائتلاف سنی توسط کاندولیزا رایس در سال ۲۰۰۶ مطرح شد و به عنوان راهبرد آمریکا و متحدانش برای محدود کردن ایران طراحی شد. این طرح توسط بندر بن سلطان و بوش اجرا گردید. بندر ابر مرد اطلاعاتی سعودی است که در راستای اینکار اقدام به خلق و تاسیس جبهه النصره، داعش و تشکیلات مخوف آن کرد. سعودیها کمپین سالهای اولیه جوخه های مرگ بر علیه سوریه را حمایت کردند و به حمایت مالی آنها پرداختند و با این کار خود، قابلیت و بهانه برای انکار منطقی را برای تلاش آمریکا ایجاد کردند. یعنی آمریکاییها به راحتی می توانند تقصیر را بر گردن مسلمانان و اعراب بیاندازند و خود را تبرئه کنند (Leonard 2016.1-3).

هنگامی که موج نا آرامی ها در جهان با بیداری اسلامی از کشورهای دیگر عرب به سوریه کشیده شد خطر سقوط مهم ترین متحد ایران در جهان عرب و ستون دوم محور مقاومت موجب احساس خطر بزرگی برای ایران گردید. با سقوط بشار اسد، حزب الله لبنان، مهم ترین مسیر پشتیبانی و دریافت کمک را از دست خواهد داد. یک حزب الله تضعیف شده به منزله یک ایران تضعیف شده و یک اسرائیل نیرومند خواهد بود و تضعیف حزب الله و سوریه سبب کاهش نفوذ ایران در منطقه می شود. هر چند که ایران اعلام کرده است دولت و ملت سوریه باید برای انجام اصلاحات با یکدیگر گفتگو کنند و مداخله خارجی در سوریه به سود غرب و امریکا خواهد بود. حوادث و رویدادهای جاری در جهان اسلام، محیط سیاسی جهان اسلام و جامعه جهانی را به شدت تغییر داده است. تحولات بیداری اسلامی، کشورهای متعدد اسلامی از آفریقای غربی تا جنوب فیلیپین و نیز مسلمانانی که در سایر نقاط جهان پراکنده هستند را تحت تاثیر قرار داده است. در جهان اسلام مثل سایر مناطق دیگر جهان، مذهب، خط مشی ها و فرهنگ به شیوه های مختلف به هم آمیخته اند. هدف از این مطالعه بررسی تحولاتی است که در حال تغییر چشم انداز سیاسی-مذهبی جهان اسلام هستند. هدف ما ارائه یک دیدگاه عمومی از حوادث

و رویدادهایی است که منافع و امنیت و آینده کشورهای اسلامی به خصوص کشور جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. جنبش بیداری اسلامی خواهان بازگشت به مبانی دینی و استقلال سیاسی و تامین حیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مردم مسلمان کشورهای اسلامی در سراسر جهان اسلام است. تحولات به قدری شدید است که فرصت تحلیل را از محققان گرفته است. کشورهای اروپایی و آمریکا به خصوص، قبل از این با معرفی جنبش‌های اسلامی تحت عنوان بنیادگرایان آنها را محدود ساخته بود ولی امروز با توجه به موفقیت این جنبش‌ها، از عنوان بیداری عربی استفاده کرد. قطعا هدایت این جنبش‌ها برای خدمت به مصالح عالی‌ه جهان اسلام از وظایف خطیر جامعه دانشگاهی است. با توجه به اینکه وقوع بیداری اسلامی جایگاه کشورهای دوست آمریکا و غرب و نیز منافع همه جانبه منطقه‌ای آنها را در معرض تهدید جدی قرار داده است، لذا احتمال انحراف این جنبش‌ها توسط کشورهای غربی وجود دارد. دین مبین اسلام مذهب بیش از ۱/۴ میلیارد نفر مسلمان و دومین مذهب اسلامی است. بسیاری از کشورهای جهان اسلام، جنبش اسلام‌گرایی را در دهه ۱۹۷۰ تجربه کرد. این جنبش‌ها خواهان توجه به آموزه‌های اخلاقی مذهب، مقابله با فرهنگ لیبرالیسم و سرمایه‌داری و خواهان تغییر وضع موجود جوامع خود هستند. مسئله فلسطین و شکست‌های پی‌درپی رژیم‌های حاکم عربی در جنگ با اسرائیل، اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط آمریکا بر بی‌اعتباری و فقدان مشروعیت رژیم‌های حاکم اسلامی افزوده و در پیدایش بیداری اسلامی سهیم است. فقدان کنترل سرنوشت و احساس تحقیر یکی از دلایل مهم اسلام‌گرایی جاری در سرزمین‌های اسلامی است. (berti, 2011, a, b).

برنارد لونیس هم یکی از دلایل اصلی بیداری اسلامی را در متن مستعمره‌سازی کشورهای اسلامی توسط غربی‌ها و ناکامی حکومت‌های عربی دوران پس از استقلال در بدست آوردن و احیای دوران رونق و شکوفایی تمدن اسلامی می‌داند. فاکتورهای مختلفی در بیداری اسلامی جهان اسلام سهیم هستند. اسلام ستیزی، جنگ شش روزه ۱۹۶۷ اعراب با اسرائیل، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تهاجم شوروی به افغانستان، جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، رکود شدید اقتصادی، ناکامی دولت برای ارائه خدمات مناسب به جمعیت در حال رشد، عدم پاسخگویی، فساد فراگیر، نبود آزادی سیاسی و مدنی، سیستم‌های آموزشی که ترویجگر سکولاریسم، عدم تساهل و مدارا و وفاداری به ملی‌گرایی است، ظهور رسانه‌های جمعی، ناکارآمدی ناصریسم و پان‌عربیسم

از جمله این عوامل هستند. این عوامل به خصوص اسلام ستیزی و شکست پی در پی اعراب از اسرائیل به شدت مسلمانان جهان اسلام را آسیب رساند. بیداری اسلامی پاسخی به این شرایط تحمیل شده و ناگوار بر جامعه اسلامی است. مردم مسلمان به اسلام به عنوان بهترین راه حل این مشکلات متوسل شده اند. آنها معتقدند دلیل اولیه شکست آنها این است که مسلمانان ایمان و رفتار اسلامی خود را از دست دادند و اسرائیل از این ضعف به خوبی استفاده کرد. مسلمین شکست خوردند چون وحدت آنها به علت رقابت های ژئوپلیتیکی غربی ها از بین رفته بود. اعراب شکست خوردند چون هفت کشور بودند با اتحاد مجدد می توانند مسئله فلسطین را حل کنند و عصر طلایی تمدن، علم و فرهنگ اسلامی را احیا کنند.

با توجه به عوامل فوق، مسئله اصلی این پژوهش این است در عصر جهانی شدن و دوره پسا داعش مسلماً تداوم ناامنی ها و اهداف و رویکردهای مداخله جویانه امریکا، ناتو و تشدید عملیات تروریستی و تجزیه طلبانه در منطقه با حمایت غرب و ناتو، صلح و ثبات جهانی و منافع منطقه ای و بلند مدت جمهوری اسلامی ایران و همسایگان را به شدت تهدید می کند و در صورت عدم مقابله جدی با تهدیدات و اقدامات تجزیه طلبانه گروه های تروریستی و اسرائیل، تداوم مداخله امریکا و ناتو از این گروه های تروریستی در عراق و سوریه، زمینه سلطه و نفوذ بلند مدت اسرائیل و غرب بر منطقه خاورمیانه فراهم می شود و کشورهای محور مقاومت از جمله عراق و سوریه بار دیگر به کشورهای کوچک و شکننده تبدیل می شوند. جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف مورد نظر غرب، ناتو و گروه های تروریستی است و در صورت اجرای طرح ینون و بایدن مبنی بر تجزیه منطقه با چالشها و تهدیدات امنیتی فراوانی رو به رو خواهد شد. لذا پرداختن به این مسئله مهم و یافتن راه حل های فوری و موثر برای مقابله با این تهدیدات برای تامین صلح و امنیت منطقه ای و جهانی و تامین امنیت و منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه بسیار ضروری است. در این راستا سؤالات بسیاری در این زمینه مطرح هستند و پاسخگویی به هر کدام از سؤالات می تواند به حل بسیاری از مشکلات و ارائه راه حل های کاربردی برای مقابله با معضلات منطقه کمک نماید.

سؤالات اصلی پژوهش

با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤالات مهم و

کلیدی است: تهدیدات و چالش‌های امنیتی پیش روی ایران و متحدان منطقه‌ای آن پس از بیداری اسلامی کدامند و چشم انداز پیش روی امنیت ملی این کشورها چیست

روش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات

تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و روش اسنادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی داده‌ها و اطلاعات پژوهش را جمع‌آوری کرده است. بدین معنا که با مطالعه مدارک و نوشته‌های صاحب‌نظران مختلف، سعی شده است ارتباط منطقی مورد نظر، شناسایی و به تحلیل این مفاهیم پرداخته شود.

۱- چهارچوب نظری پژوهش (نظریه هانتینگتون)

ساموئل هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها در سال ۱۹۹۳ می‌نویسد: منبع اساسی برخورد در دنیای جدید مسائل ایدئولوژیک و اقتصادی نخواهد بود بلکه عامل تمدن منبع تعیین‌کننده برای زد و خورد و ایجاد تقسیمات بزرگ بین بشر خواهد بود و برخورد تمدن‌ها بر سیاست‌های جهانی غلبه خواهد کرد. خطوط گسل بین تمدن‌ها در آینده خطوط درگیری و جنگ خواهد بود (Hunting- 22: 1993, ton). هانتینگتون معتقد است که تمدن بیانگر هویت فرهنگی یک مجموعه انسانی و بالاترین سطح تقسیم‌بندی انبای بشر است. بر این اساس او جامعه بشری را به هشت تمدن بزرگ که هر یک هویت خاص خود را دارد تقسیم می‌کند: تمدن غربی، تمدن کنفوسیوسی، تمدن اسلامی-ارتدوکسی، تمدن ژاپنی، تمدن اسلامی، تمدن هندی، تمدن آمریکای لاتین و تمدن آفریقایی. در اینجا هانتینگتون این سوال را مطرح می‌کند که چرا تمدن‌ها با هم برخورد می‌کنند برای این مسئله چند دلیل در نظر می‌گیرد. اولاً، تفاوت بین تمدن‌ها اساسی است. تمدن‌ها به واسطه فرهنگ، آداب و سنن و از همه مهم‌تر مذهب از یکدیگر قابل شناسایی هستند. در تمدن‌های مختلف مردم دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به روابط بین خدا و انسان، فرد و جامعه، شهروند و دولت و همچنین دیدگاه‌های متفاوتی پیرامون اهمیت حقوق و مسئولیت‌ها، آزادی و اختیار، برابری و سلطه دارند. این تفاوت‌ها محصول قرن‌ها متمادی است و به زودی از میان نمی‌روند. کنش بین تمدن‌های مختلف افزایش می‌یابد این کنش در حال توسعه، آگاهی تمدنی را افزایش می‌دهد. دیگر اینکه ویژگی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی نسبت به موارد سیاسی و اقتصادی کمتر مصالحه‌پذیر

و حل شدنی هستند. در اتحاد جماهیر شوروی سابق پس از فروپاشی، بخشی از کمونیستها توانستند دموکرات شوند ولی یک روس نمی تواند یک اسپانیایی شود و یک آذری نمی تواند یک ارمنی شود. در کشمکش ایدئولوژیکی مسئله این است شما با کدام طرف هستید در حالی که در اختلاف تمدنها مسئله این است که شما چه کسی هستید یک فرد می تواند نیمه فرانسوی، نیمه عرب و همزمان شهروند دو کشور باشد ولی مشکل است نیمه مسلمان یا نیمه کاتولیک باشد (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۶۶). به عقیده هانتینگتون برخورد تمدنهای اسلامی و غربی در مسیر خط گسل تمدنی آنها به ۱۳۰۰ سال قبل برمی گردد. پس از پیدایش اسلام، موج حرکت اعراب مسلمان به سوی غرب و شمال در سال ۷۳۲ میلادی در تولوز فرانسه به پایان رسید از قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی مسیحیان تلاش کردند تا حاکمیت و تفوق خود بر سرزمین های اطراف مدیترانه را تثبیت کنند از قرن چهاردهم تا هفدهم ترکهای عثمانی موازنه را برعکس کرده و تسلط خود بر سرتاسر خاورمیانه و حوزه بالکان را گسترش دادند و استامبول را تصرف کردند و تا دروازه های وین پیش رفتند. وی در نظریه خود تصریح می کند که قرن آینده، قرن برخورد و رویاروی تمدنی بین اسلام و غرب خواهد بود این تهدید و تقابل از دید هانتینگتون اجتناب ناپذیر است به دلیل اینکه او معتقد است که تقابل تمدن اسلامی با تمدن غرب امری اتفاقی و سطحی نیست بلکه از هویت و مبانی اسلام و غرب ریشه می گیرد. این تفاوت را هانتینگتون اینگونه تبیین کرده است: مسلمانان اسلام را شیوه ای زندگی متعالی و عامل وحدت بخش امور سیاسی و دینی می دانند در حالی که مسیحیان چنین برداشتی ندارند. آنها قلمرو خدا را از پادشاه جدا می دانند تا زمانی که اسلام از هویت خود خالی و خارج نشود و تا مادامی که غرب بر هویت فعلی اصرار بورزد درگیری بین این دو تمدن استمرار خواهد داشت (Huntington, 1993: 212). هانتینگتون علت چاره ناپذیر بودن این برخورد را که الزاما هم نباید خشونت آمیز باشد، از ویژگی های جهانشمول تمدن غرب و نیز جذابیت جهانی و ستیز ذاتی آن با تمدن های دیگر می داند. حوادث یازده سپتامبر، گسترش القاعده در جهان، ظهور داعش، طرح خاورمیانه بزرگ و طرح پنون کم و بیش نشان دهنده درستی نظریه او پس از تحولات بیداری اسلامی بوده است از نقطه نظر ژئوپلیتیکی متغیرهای مهمی که منجر به تجزیه و فروپاشی مسالمت آمیز می شود عبارتند از: - تعداد کم گروههای قومی رقیب اصلی - شباهتهای فرهنگی و مذهبی میان گروهها - ساختار فدرالی نسبتا سست اما سالم که بتواند خودمختاری اساسی و برابری

نسبی را بین این گروه‌ها قبل از تجزیه و فروپاشی فراهم نماید-مرزهای دولت فدرال که بسیار با مرزهای جغرافیایی گروه‌های قومی هماهنگ هستند-مرزهای سیاسی دو کشور جدید که کوتاه باشند، هیچ زائده یا ناحیه درونگانی که قلمرو یکدیگر را مختل کند و تداخل را سبب شود و در نهایت این که هر دو کشور جدید بعد از جدایی به لحاظ اقتصادی ادامه حیات آنها ممکن باشد. این متغیرها شدیداً در تضاد با شرایط موجود در کشورهای یوگسلاوی، عراق، سوریه است چون: در این کشورها شاهد تعداد زیاد گروه‌های قومی رقیب هستیم (بیش از پنج گروه)، تنوع وسیع و گسترده اختلافات و تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی بین گروه‌ها و بازیگران مختلف این کشورها نیز وجود دارد- و تاریخی از خشونت و سرکوب در بین آنها وجود داشته و دارد- ساختار مدیریتی ضعیف دارند (Sepahpour, 2014, 1-5). زمینه‌های موجود در جغرافیای انسانی و مذهبی عراق و عوامل ژئوکالچرال یاری‌رسان به داعش نیز در شمال عراق مهیا بود. بافت مذهبی کشور عراق و سوابق عملیاتی گروه‌های افراطی وابسته به القاعده، مستقل، بعثیون و... زمینه‌های حمایت و هواداری از داعش را مهیا نموده بود. به عنوان مثال در حالی که مقامات عراقی و آمریکایی تخمین می‌زدند که تعداد جنگ‌جویان تحت فرمان زرقاوی حدود ۱۰۰۰ نفر باشد، فواد حسین معتقد بود که زرقاوی حداقل ۵ هزار جنگجوی تمام وقت با ۲۰ هزار حامی در عراق داشته باشد (عباس زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۵) رویدادها و نزاع‌های اخیر در خاورمیانه و جهان اسلام شایستگی این نظریه را زیر سوال می‌برد در حقیقت این تمدن غرب است که به دنبال منافع اقتصادی خود و یافتن سرزمینها و زمینه‌های سرمایه‌گذاری جدید می‌باشد. همه این تبلیغات سوء علیه اسلام و مسلمانان با بکارگیری کلیشه‌های نژادپرستانه و اسلام‌هراسی برای غلبه بر افغانستان و عراق و سوریه به کار گرفته شد و آنها در قالب جنگ پیشگیرانه و جنگ بر علیه تروریسم به این جنگهای امپریالیستی خود شدت بخشیدند. آنها با مطرح کردن و تقسیم مسلمانان به میانه‌روها و فناتیک‌های مذهبی از این مسائل سوء استفاده کردند. این اصطلاحات صرفاً برای اتخاذ نژادپرستی قابل پذیرش، استعمارگری و مشروعیت بخشی به تهاجمات غیرقانونی به مسلمانان و برای تضمین و تقویت هژمونی غرب در همه جهات صورت گرفت. شیوه دخالت کشورهای غربی و نظم اقتصاد جهانی که غربی‌ها بر کشورهای اسلامی و فقیر تحمیل کردند هم به صورت یک جانبه و هم از طریق سازمانهای بین‌المللی منجر به ایجاد روابط استثماری شده است. برخورد واقعی برخورد منافع نامشروع غربی هاست نه برخورد تمدنها. لذا غرب و متحدان منطقه‌ای پس از بیداری

اسلامی از تمام ابزارهای خود جهت تحریف انقلابهای مردمی و اسلامی پس از بیداری اسلامی استفاده کرد. استفاده از گروه‌های تروریستی و طرح ینون (اینون) در عراق، سوریه و سایر کشورهای اسلامی از جمله مهم ترین راهبرد آنها بوده است.

۲. طرح ینون (اینون)

دکترین صهیونیستی هر تزل و نتانیا هو مبتنی بر تشکیل اسرائیل بزرگ است؛ امپراطوری که گستره ی آن از نیل تا فرات ادامه دارد و هدف نهایی آن تشکیل یک امپراطوری جهانی می باشد که در نهایت حتی آمریکا را در خود جای خواهد داد. طرح ینون، تداوم طرح استعماری بریتانیا در خاورمیانه است. استراتژیستهای اسرائیلی به عراق، سوریه و ایران به عنوان بزرگترین چالش راهبردی بر سر راه طرح خود نگاه می کنند. به همین دلیل، این کشورها از جانب اسرائیل به عنوان مرکز تجزیه خاورمیانه و جهان عرب دیده شده اند. در عراق، بر مبنای مفاهیم طرح ینون، استراتژیستهای اسرائیلی خواهان تقسیم عراق به یک کشور کردی و دو کشور عربی شیعه و سنی هستند. اولین قدم برای پیاده سازی این هدف، جنگ بین ایران و عراق بود. در طرح مذکور در این خصوص بحث شده و آمده است: «طرح ینون خواهان یک مصر، سوریه و لبنان تقسیم شده است. تجزیه ایران، ترکیه، سومالی و پاکستان در چارچوب این طرح دنبال می شود. طرح ینون همچنین خواهان انحلال افریقای شمالی است و پیش بینی می کند که از مصر شروع شود و سپس سودان و لیبی و بقیه منطقه را در بر خواهد گرفت. (البته سودان در سال ۲۰۱۱ به دو کشور تقسیم شد (Blog, 2016, 204). طبق این طرح، اسرائیل باید اقدامات زیر را انجام دهد: باید به یک قدرت منطقه ای امپریالیستی تبدیل شود. - باید کل منطقه را از طریق تبدیل همه کشورهای موجود عربی به چند کشور کوچک، تجزیه کند. آنچه آنها به دنبال آن هستند تشکیل یک جهان متحد عربی نیست بلکه جهانی از کشورهای تجزیه شده خرد و ناتوان و وابسته است که آماده تسلیم در برابر سلطه اسرائیل هستند. چون توان و قدرت کافی برای مقابله و عرض اندام در برابر امپریالیسم اسرائیل را در آن شرایط ندارند. این ایده که همه کشورهای عرب باید توسط اسرائیل تجزیه و به واحدهای کوچک تبدیل شوند بارها در تفکرات راهبردی اسرائیلی ها رخ نموده است. پیوند قوی با اندیشه نئومحافظه کارهای بسیار برجسته و مشخص در آمریکا دارد. هدف واقعی طراحان این طرح، و دولت کنونی اسرائیل روشن است: «تبدیل اسرائیل امپریالیست به یک

قدرت جهانی». به عبارت دیگر، هدف شارون و نتانیاهو این است که بعد از فریب دادن همه جهانیان، آمریکایی‌ها را فریب دهد. همچنین جنگ انرژی بخش مهم راهبرد آمریکا، اسرائیل، عربستان و ترکیه علیه دولت اسد است (Blog, 2016, 205).

نقشه (۱) نقشه طرح بنون



(Blog, 2016, 205).

۳. باکانیزه سازی خاورمیانه پس از بیداری اسلامی

منطقه خاورمیانه بزرگ در کانون رقابت‌های جهانی قرار دارد. این منطقه در راهبردهای سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که این منطقه به کانون اصلی رقابت‌های این قدرت‌ها تبدیل شده است (یزدانی، ۱۳۸۶: ۸۷).

امروزه منطقه خاورمیانه بزرگ به دلیل نیاز مداوم جهانی برای دسترسی به منابع انرژی، منطقه‌ای حیاتی در جهان به شمار می‌آید و دست کم در ۱۵ سال آینده وابستگی به منابع انرژی خاورمیانه تاثیر عمده‌ای بر روابط اقتصادی خود منطقه و میان کشورهای منطقه و جهان خواهد

داشت (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۴). از عوامل مختلفی که سبب اهمیت خاورمیانه می گردد، می توان از منابع منحصر به فرد انرژی و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه نام برد. از سوی دیگر، استمرار مناقشه اعراب و اسرائیل، بحران در عراق، سوریه، یمن و نیز لبنان، رقابتهای تسلیحاتی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی توسط اسرائیل و غرب، افزایش شکافهای قومی و مذهبی، افزایش فعالیتهای تروریستی از مهم ترین عوامل تهدید زا در این منطقه پراهمیت محسوب می گردد (اخباری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹).

به لحاظ تاریخی شام محل تولد و ظهور دین مسیحیت و قدیمی ترین اجتماعات مسیحی است که در کنار مسلمانان سالها به طور مسالمت آمیز زندگی کرده اند. مسیحیان عراق و سوریه مدتهاست که نسبت به دولت امریکا به خاطر حمایتهای آن از اسرائیل، عربستان و شبه نظامیان متعصب و تروریستی که دارای گرایش ضد مسیحی هستند بی اعتماد بوده اند. همچنین مسیحیان لبنان از امریکا به خاطر حمایتهای آن از توسعه طبی های اسرائیل و آوارگی فلسطینی ها در لبنان بیزار هستند. این باور وجود دارد که اسرائیل و امریکا سعی دارند تا مسیحیان عراق و شامات را از این منطقه پاکسازی کنند یا به طور مجزا مانند صهیونیستها در یک مکان یا کشور دیگر اسکان دهند. اعراب مسیحی و آشوری ها و جوامع قومی ارمنی در لبنان، سوریه و عراق سکونت دارند. جوامع مسیحی سوریه و بسیاری از رهبران سنی و شیعه و دروزی از دولت اسد حمایت کردند. آنها به طور سیستماتیک و منظم مورد حمله تروریستهای مورد حمایت غرب و اسرائیل قرار می گیرند کلیساهای آنها مورد حمله و آسیب قرار گرفتند، کشیشها و راهبه ها و پیروان آنها توسط نیروهای معارض و مخالف دولت اسد قتل عام شدند. این نیروها اعلام کرده اند که علوی ها باید سرنگون شوند و مسیحیان به لبنان بروند و سوریه دیگر مکانی برای زندگی علوی ها و مسیحیان نیست (Nazemroaya, 2014, 1-5).

عوامل متعددی وجود دارند که موضع ترکیه و متحدان منطقه ای آن پس از بیداری اسلامی نسبت به بحران سوریه و انقلابهای عربی را تعیین می کند این عوامل عبارتند از: اهمیت سوریه و عراق برای سیاست ترکیه است. سوریه موفق ترین الگوی برای سیاست صفر سازی مشکلات ترکیه با همسایگان است. دوم، ترکیه از این وا همه دارد منازعه فرقه ای و ناحیه گرایی در سوریه ممکن است در منطقه و در درون این کشور رخ دهد و ثبات داخلی ترکیه را بر هم بزند و سوم، رقابت منطقه ای بین ترکیه، ایران و عربستان نیز وجود دارد. ترکیه در همین راستا به میزبانی از

اپوزیسیون مسلح و تکفیری سوریه پرداخت و تلاش کرد در سوریه مداخله کند. و در پوشش یک جبهه بین المللی به مداخله در سوریه پرداخت و سعی داشت دولت اسد را سرنگون نماید که با مخالفت روسیه و چین در شورای امنیت مواجه شد. لذا شورای ملی سوریه بهترین روش برای ترکیه جهت نفوذ در سوریه و کنترل مسئله کردها بود. ترکیه از جبهه النصره و داعش برای مقابله با اسد و مهار کردها استفاده کرد. بحران کوبانی نتیجه تصرف آن بدست داعش و حمایت ترکیه بود. اهداف ترکیه در سوریه عبارتند از:

۳-۱- تاسیس منطقه حائل در سوریه

ترکیه می خواهد منطقه حائلی در مرزهای بین سوریه و ترکیه درست کند. با این وجود با توسعه تحولات در سوریه، خواهان تاسیس این منطقه حائل از شهر مقبره ها تا شهر Izzaz و شهر ماری در غرب است. این تقاضا بعد از کنترل مناطق وسیع از مرزهای سوریه بدست کردها و مخالفت آمریکا، ایران و روسیه با این منطقه مطرح شد. هدف ترکیه در این منطقه حائل پیشنهادی، متوقف کردن جریان آوارگان است اما اهداف مخفی ترکیه، سقوط حلب و تضعیف دولت سوریه است

۳-۲- تاسیس منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه: بر طبق هدف اعلامی ترکیه، هدف از تاسیس منطقه پرواز ممنوع حفاظت از شهروندان سوریه است اما اهداف مخفی یا غیر اعلامی ترکیه ممانعت از کنترل نواحی جدید توسط کردها و جلوگیری از بمباران سنگرها و مواضع داعش و اپوزیسیون مسلح توسط دولت اسد و ایران است سوم، سرنگونی دولت اسد می باشد که از طریق حمایت گروه های مسلح تکفیری بر علیه نیروهای اسد ممکن است حاصل شود ولی تاکنون موفق نبوده است. مسئله کردها، مسئله اختلاف بر سر منابع آبی رودخانه های دجله و فرات از جمله مسائل دیگری است که روابط ترکیه و سوریه را تحت تاثیر قرار داده است (Hameed and Hussein Mostafa, 2018,1-3). در پی اتخاذ این راهبرد نو، ترکیه سعی کرد مواجهه ای عملی با بحران سوریه اتخاذ کند. بر این اساس آنکارا کاربرد لفاظی ها علیه سوریه را متوقف کرد و عمدتاً مشغول درگیری با شبه نظامیان کرد و حمایت مخفی و آشکار از مخالفان اسد شد. همچنین موافقت کرد تا همراه با ایران و روسیه در پی راه حلی برای بحران سوریه باشد. به عبارت دیگر ترکیه، در راهبردش تجدید نظر کرد و تصدیق کرد که اولویت حذف اسد نباشد بلکه هدف اصلی تقسیم قدرت و حل منازعه سوریه بر اساس راه حل سیاسی باشد (البته در

ظاهر وانمود می کرد با داعش مبارزه کند اما از تروریسم خوب تحت عنوان مخالفان سوریه حمایت نمود یعنی حمایت خود از جبهه النصره و ارتش آزاد سوریه و سایر مخالفان مسلح سوریه را ادامه داد). ترکیه قدرت گرفتن حزب کردی دموکراتیک سوریه را تهدیدی ضد تمامیت ارض خویش می دانست چرا که این حزب شاخه ای حزب پ.ک.ک. تلقی می شد و از این رو ترکیه تصمیم گرفت با اتخاذ موضعه ای قوی تر، نفوذ حزب دموکراتیک سوریه را کاهش دهد و حتی نسبت به جنایات داعش در کوبانی نیز سکوت کرد و دست داعش را در سرکوب آنها آزاد گذاشت (Dalema, 2017: 13). به طور کلی نقش ترکیه در بحران سوریه، به صورت زیر می توان خلاصه کرد: با شروع اعتراضات در سوریه، موضع ترکیه به موضوع پیچیده و متغیر تبدیل شد. سیاست ترکیه در چرخش های متعدد از میانجی گری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل گردید (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

۴- ایدئولوژی های التقاطی و جنگ تمدنها برای انحراف بیداری اسلامی

در طول این سالها، اداره عربی بریتانیا و دفتر هندی بریتانیا به دقت خصوصیات روان شناختی و ایدئولوژی اعراب و مسلمانان را مطالعه می کردند. نقطه شروع کار آنها این بود که اعراب به طور حتم مخالف استعمارگری بریتانیا هستند و هیچ چیزی هم نمی تواند مانع آنها شود. با این وجود، شرق شناسان بریتانیایی به این نتیجه رسیدند که امکان ارائه کردن ایدئولوژی های ساختگی یا التقاطی برای اینکه یک نهضت حتمی الوقوع عربی به وجود آید، هست و این ایدئولوژیهای التقاطی یا ساختگی کمک می کند تا اعراب و قیامشان عقیم و ناتوان گردد. یک راه بدیهی و آشکار برای انجام این کار توسط انگلیسیها و همفکرانشان این بود که قیام یا نهضت را جوری هدایت کنند که ضد انگلیسی صرف نباشد بلکه به طور کلی ضد غربی یا ضد اروپایی باشد تا مبادا اعراب قادر گردند با روسیه یا آلمان برای اخراج بریتانیا متحد شوند. سنت اسلامی وهابی محتوای خام لازم برای ساخت یک ایدئولوژی التقاطی و ساختگی به خصوص در زمینه تکفیر غرب توسط اعراب را ارائه می دهد. این سنتهای اسلام وهابی و ایدئولوژی های التقاطی امروزه تغذیه کننده ایدئولوژیهای متعصب موجود در جهان عرب و جهان اسلام هستند (Tarpley, 2016, 188).

وقتی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول جانب آلمان را گرفت، سرهنگ بریتانیایی به

نام لورنس توانست اعراب حجاز یا عربستان امروزی را به شورش علیه سلطان عثمانی برانگیزد. بریتانیا در عمل به اعراب وعده داد در صورتی که اعراب کاری کنند بریتانیا در جنگ برنده شود همه سرزمینهای عربی که تحت کنترل عثمانی بودند به اعراب برگردانده شوند. با این وجود، با صدور اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷، بریتانیا بخشی از این سرزمین عثمانی را به یهودیان وعده داد تا به عنوان سرزمین مادری خود انتخاب و تشکیل دولت ملی یهود بدهند. برای اینکه شرایط را از این هم بد و بدتر کند، بریتانیا و فرانسه همچنین اغلب این سرزمینها را طبق توافقنامه محرمانه سایکس-پیکو بین خود تقسیم کردند. به رغم رجزخوانی های نتوکانها درباره دموکراسی و طرح به اصطلاح ابتکار خاورمیانه ای بوش، آمریکا هرگز برنامه های جدی برای دموکراسی در عراق نداشته است. آمریکا خودش به صورت جدی نمی تواند به عنوان یک کشور دموکراتیک توصیف شود. آمریکا هم اکنون بر اساس تعریف دقیق افلاطون یک الیگارشسی مملو از شرارت و مبتنی بر صلاحیت مالی است یعنی هر کسی که مال و دارایی بیشتری دارد - یعنی ثروتمندان - قدرت و اداره کشور را در اختیار می گیرد و مردان فقیر به حاشیه رانده می شوند. نظام سیاسی که به نفع طبقه حاکم است و نامش الیگارشسی است (Tarpley, 2016, 188).

از زمان جنگهای صلیبی و شروع فرایند استعمارگری اروپایی در جهان، کاریکاتورسازی از مردم و تمدن جوامع اسلامی همیشه بخش مرکزی ایدئولوژی فاتحان غربی بوده است. کلیشه سازی درباره اسلام و مسلمانان توسط غرب سابقه دیرینه دارد و مربوط به امروز و دیروز نمی شود. در سال ۱۹۷۴، ساوری اعلام کرد که برای اینکه نشان دهیم اسلام با ارزشهای غربی سازگار است بیش از ۸۵ درصد سوره های قران باید حذف شوند. نیویورک تایمز در مقاله ای در سال ۱۹۸۶ نوشت: بنیادگرایی اسلامی (اسلام سیاسی) تهدید اصلی برای صلح و امنیت جهانی است. آنها برای توجیه سیاستهای نفوفاشیستی و مداخله گرایانه غرب اعلام کردند که تهدید اسلام سیاسی شبیه تهدید نازیسم و فاشیسم دهه ۳۰ و تهدید کمونیست در دهه ۵۰ است. یک سال بعد همین روزنامه تیتز خود را اینگونه انتخاب کرد: تهدید سرخ (کمونیسم تمام شد و از بین رفته است اما ما الان با تهدید اسلام سروکار داریم. فلیپ فوندریس می گوید: این امر برای فرانسه و غرب ضروری است تا با اسلام و مسلمانان در جهان تقابل و مبارزه کنند و سیاست مخالفت با اسلام را اتخاذ نمایند و سعی کنند از توسعه ان جلوگیری نمایند. کلیشه های اسلام هراسی غرب، دخالت و توسعه طلبی غرب را توجیه کرده و امروزه این کلیشه سازی ها اشکال دیگری

به خود گرفته است. در این راستا، تئوری برخورد تمدن‌ها سبب تغذیه و تقویت نژادپرستی بر علیه مسلمانان شده است و مشروعیت سیاسی به جنگها و اقدامات تروریستی غرب بر علیه کشورهای اسلامی داده است (fouapon 2013,358-367). طی بحران سوریه که از سال ۲۰۱۱ و همچنین بحران عراق که از سال ۲۰۱۴ شروع شد، شاید بیشترین نامی که از رسانه های جهانی دیده و شنیده شد داعش و اخبار مربوط به آن بود. گروهی ایدئولوژیک که بر پایه خشونت و مبانی اصلی وهابیت که جرقه آن در سال ۲۰۰۳ زده شد هر چند که می توان ادعا کرد که بنیان فکری آنها به آراء ابن تیمیه که عقایدش هم در وهابیت نمود پیدا کرد، باز می گردد و مشابهت بسیاری با فتوی ابن تیمیه و اقدامات آل سعود و داعش وجود دارد. ریشه آن را می توان به القاعده عراق نیز نسبت داد که توسط شهروند افراطی اردنی به نام ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد. شورای رهبری دولت داعش متشکل از سیزده نفر بود که ۸ عضو آن را اتباع عراقی که شامل افسران سابق رژیم صدام میشود را تشکیل می دهند (mortada, 2013).

شما و من به این نزاع تمدنی نیاز نداریم و سود نمی بریم. چه کسی نیاز دارد و سود می برد؟ صهیونیستها، مردان نفتی، بانکداران و سیاسیون دست آموز و وابسته آنها. ممکن است تفاوت چندانی بین این گروهها نباشد. صنعت نفت بخشی از دارایی های گروهی است که این میراث را با هم تقسیم می کنند و همانند میراث خوران وال استریت و شهر لندن هستند. این در حالی است که نوجه ها و افراد وابسته به آنها در واشنگتن و رسانه ها همچون پسرانی مطیع در خدمت آنها هستند. آنها دارای یک عقیده مشترک هستند و آن عقیده مشترک این است که « خدایی جز پول وجود ندارد!» این ضرب المثلی عربی است که بر روی جلد کتاب حاضر نیز آمده و از پرچم داعش اقتباس شده است. با این وجود، این ننوکانهای صهیونیستی و آمریکایی هستند که سرسختانه بدنبال برخورد تمدن‌ها هستند و برای این کار خود نیز دلیل روشنی دارند. دستورالعمل توسعه و گسترش اسرائیل نیازمند همراهی و تحت انقیاد در آوردن قدرتهای بزرگ غرب به مثابه یک چکش برای در هم کوبیدن کشورهای دارای اکثریت مسلمان شرق نزدیک است و آنها قصد دارند مطیع اسرائیل شوند. پدیده ای نظیر داعش یا حملات تروریستی یازده سپتامبر منجر به دخالت آمریکا در منطقه به نفع این دستورالعمل و طرح صهیونیستی شده است. آنها همچنین وظیفه دارند تا به اسلام هراسی گسترده دامن بزنند که این بیش از پیش اتحاد و هم رای اعراب و آمریکا علیه صهیونیسم را در سیاستهای آمریکا کاهش می دهد. خصومت نسبت به اعراب و

مسلمانان، مهاجرت را تشویق می‌سازد و از سکونت آنها جلوگیری می‌کند و این کار خود نوعی پاکسازی قومی است (Tarpley, 2016, 189).

۵. راهبرد تروریسم پس از بیداری اسلامی: یک تبیین جغرافیایی

از نقطه نظر دولت آمریکا تقریباً همه مسائل و چالشهای ژئوپلیتیکی جهان به منطقه خاورمیانه ارتباط دارد- نفت، توسعه اقتصادی، تجارت، همکاری و کمکهای مالی، منازعه اعراب و اسرائیل و.. از جمله دلایل اعلام شده حکومت آمریکا برای آغاز جنگ علیه تروریسم است. جنگ و تروریسم در این سالها و در آینده تاثیرات متعددی بر جوامع و اقتصاد خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای جنوبی و جهان خواهد داشت. از نظر آمریکا تروریستهایی که تحت تعقیب هستند فقط اسلام گرایان هستند. این در حالی است که رادیکالیسم و بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه کاملاً مورد حمایت عربستان و آمریکا هستند و از طرف دیگر همه مسلمانان شبه نظامی و تروریست نیستند اما در هر صورت مسلمانان منتقد مادی گرایی و فساد اخلاقی کشورهای غربی و حمایت نظامی و سیاسی این کشورها از اسرائیل هستند. مسلمانان شیعه و سنی به خصوص ایرانی ها طیف وسیعی از جنبشهای اسلامی برای ایجاد دموکراسی و تحقق آزادیهای سیاسی و مدنی خود انجام دادند. جنبش های مذهبی معمولی دارای اهداف فرهنگی و سیاسی بوده و هویت گرا هستند و به دنبال حذف منافع نامشروع اسرائیل و آمریکا در این منطقه هستند. در الجزایر پس از اینکه در انتخابات سال ۱۹۹۱ جبهه نجات اسلامی اکثریت آراء پارلمان را بدست گرفت با دخالت فرانسه و ارتش، مسلمانان سرکوب شدند و در مقابل این حرکت فرانسه، اعتراضات و اقداماتی را علیه حمایت دولت فرانسه از رژیم کودتای الجزایر انجام دادند (Hobbs, 2009, 236).

هدف تروریسم داعش و القاعده چیست: این یک مسئله مهم است. شاید اگر پاسخی برای این سوال یافت شود راهی هم برای شکست این سازمان یا بررسی دلایل ریشه ای موجودیت آن به شیوه ای که دیگر دلیلی برای وجود و بقای آن وجود نداشته باشد پیدا شود. از این رو در اینجا به این سوال از جنبه درونی نگاه می‌کنیم و به بررسی آنچه می‌پردازیم که القاعده و داعش می‌گویند در پی آن هستند. پاسخ به این سوال ممکن است یک پاسخ جغرافیایی باشد. در آغاز این نکته مفید است که بدانیم که القاعده چیست. القاعده (مبنا و قاعده به زبان عربی) یک

سازمان فراملی که به دنبال وحدت گروه‌های نظامی اسلام گرای سنی در سرتاسر جهان برای دستیابی به اهداف خود می باشد. یک سازمان جهادگرا یا اسلام گرای سنی سازمانی است که مذهب، فرهنگ و تاریخ اسلامی را برای مشروعیت بخشی به فلسفه و اقدامات خود به خدمت می گیرد یعنی از ترور به نام اسلام استفاده می کند (Esposito, 2002, 28).

اسامه بن لادن هم در سیاست اعلامی یا گفتار خود خواهان کشتن شهروندان آمریکایی و غربی است. گوناراتنا، القاعده را به عنوان یک گروه تروریستی فوق العاده غیر معمول در این مقوله می داند و آن را یک سازمان آخرالزمانی می خواند. سازمانی که معتقد است بر اساس وظایف دینی خود، اعمال خشونت آمیز را مرتکب می شود و احياناً به تروریسم مرگبار و کشتار دسته جمعی مبادرت می ورزد. وی هشدار می دهد که القاعده هیچ رحمی در بکارگیری سلاح های شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته ای بر علیه مراکز غیرنظامی ندارد. اما چرا؟ چرا آنها خواهان کشتن شهروندان غربی خصوصاً آمریکایی هستند. رهبران القاعده در استدلال و عقلا نیت خود خیلی روشن و صریح هستند. رهبران القاعده معتقدند که دلیل اصلی حملات تروریستی، متقاعد کردن آمریکا برای عقب کشیدن نیروهای نظامی خود و دست کشیده از سایر منافعش از سرزمینهای اسلامی می باشد. در بیانیه دیگری که القاعده منتشر کرده است از عربستان به عنوان سرزمین دو مکان مقدس ذکر شده است. این دو مکان مقدس شهرهای مکه و مدینه عربستان هستند. گنبد صخره که معبد یا آرامگاهی در بیت المقدس است در برگیرنده صخره مقدسی است که از آن پیامبر اسلام (ص) گفته می شود در شب معراج سفر معنوی خود را به آسمان انجام داد و عروج نمود. القاعده و داعش معتقد است شبه جزیره عربستان از زمانی که خداوند آن را به صورت مسطح ساخته است و بیابان آن را ساخت و آن را با دریاها محصور نمود هرگز تحت حمله هیچ نیروی مانند ارتش صلیبیون که مثل ملخ وارد آن شدند و ثروت های آنرا خوردند و گیاهانش را ریشه کن کردند قرار نگرفته است. جدید ترین و بزرگترین این تجاوزها که بر مسلمانان تحمیل شده است و از زمان رحلت پیامبر (ص) تاکنون سابقه نداشته است اشغال سرزمین دو مکان مقدس (سرچشمه خانه اسلام و مکان نزول وحی و منبع پیام رسالت و مکان کعبه، قبله همه مسلمانان) توسط ارتشهای صلیبیون آمریکایی و متحدانشان می باشد (Gunaratna, 2002, 3).

القاعده و داعش می گوید ما فقط سوگواری می کنیم و تنها می توانیم بگوئیم که هیچ قدرتی

بدست نمی‌آید الا از طریق خدا. عقب راندن دشمن یا بزرگترین کفار از کشور وظیفه اصلی و اولیه ماست. هیچ وظیفه و باور دیگری مهم تر از این وظیفه نیست نهایت تلاش باید برای آماده سازی و تحریک امت اسلامی (اهل سنت) بر علیه دشمن صورت گیرد. ائتلاف امریکا و اسرائیل کشور هر دو مکان مقدس تا مسجد الاقصی را اشغال کرده اند. صلیبیون و یهودیان به یکدیگر ملحق شده اند تا به قلب دارالاسلام حمله کنند: مقدس ترین مکانهای ما در عربستان سعودی یعنی مکه و مدینه از جمله مسجد النبی و گنبد صخره در بیت المقدس در اشغال آنها قرار دارد. رهبران القاعده به همین دلیل خواهان تشکیل یک جبهه جهانی اسلامی برای جهاد بر علیه یهودیان (صهیونیستها) و صلیبیون هستند. القاعده از مسئله اشغال مکانهای مقدس اسلامی به عنوان توجیه اصلی برای جنگ علیه ایالات متحده متحده امریکا استفاده می کند. رهبران القاعده و داعش می گویند بر اساس دستور خدا، ما این فتوی مذهبی را برای همه مسلمانان صادر می کنیم: حکم کشتن آمریکایی ها و متحدانشان اعم از غیرنظامیان و نظامیان یک وظیفه همگانی برای مسلمانان است. هر کس در هر کجا که امکان انجام آن وجود دارد آنرا انجام دهد تا مسجد الاقصی و مسجد مقدس در مکه را از جنگ آنها آزاد کنیم و ارتشهای آنها مجبور شوند از همه سرزمینهای اسلام خارج شوند و قادر به تهدید هیچ مسلمانی نباشند و شکست بخورند (Hobbs, 2009, 237).

پس اهدافی که القاعده برای خود ترسیم کرده است عبارتند از: بیرون راندن نیروهای آمریکا از شبه جزیره عربستان، سرنگونی دولت سعودی (در ظاهر) و آزاد ساختن مکانهای مقدس مکه و مدینه. سرگونی دولت سعودی و دیگر حکومت‌های دیکتاتوری منطقه خلیج فارس به همراه رژیمهای سکولار و طرفدار غرب در خاورمیانه از جمله حکومت سوریه و مصر در ایدئولوژی القاعده بر آن تاکید شده است. هدف نهایی القاعده و داعش چیست: آیا واقعا داعش و القاعده راضی هستند که عربستان سرنگون شود و نیروهای امریکا از عربستان بیرون بروند؟ چه چیزی آنها در صورت خروج غرب و قطع دست آنها از منافع منطقه و سرنگونی همه رژیمهای متحد و همسوی با غرب عاید شان می شود بر طبق نظر گوناگوناتانا، هدف نهایی آنها تاسیس خلافت است و به دنبال احیای امپراتوری خود یعنی امپراتوری اموی یا عباسی هستند و از این طریق طیف زیادی از کشورهای اسلامی را به جنگ بر علیه آمریکا و متحدانش می شورانند (, -55, 2002, Gunaratna 59). گروه‌های سلفی تکفیری یا القاعده چون به عقل به عنوان منبع شناخت معتقد

نیستند و با تفسیر و تاویل مخالف هستند و ظاهرگرا می باشند هیچ راهکاری برای حل منازعات هویتی منطقه ندارند و با زمینه سازی برای دخالت غرب به بهانه مبارزه با تروریسم و امنیت انرژی زمینه دخالت هرچه بیشتر غرب و بی ثباتی منطقه را فراهم می کند. در عمل هم به جز دامن زدن به جنگ شیعه و سنی هیچ اقدامی علیه اسرائیل آمریکا انجام نداده اند و در نتیجه باعث تضعیف وحدت شیعه و سنی و تداوم ناامنی و بحرانهای مختلف در جهان اسلام می شوند و عملاً به راهبرد امنیتی آمریکا و اسرائیل برای تجزیه و گسترش بی ثباتی در جهان اسلام تبدیل شده اند

۶. جنگ ارزی و انرژی علیه ایران، سوریه و عراق پس از وقوع بیداری اسلامی

درک فرصتها و چالشهای امنیتی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه بدون شناخت و تجزیه عوامل و زمینه های شکل گیری آن امکان پذیر نیست. از این رو، تلاش شده است تا پیش از بررسی چالشها و فرصت های امنیتی پیش روی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه تصویری روشن از علل و عوامل شکل گیری این تحولات ارائه دهیم. با توجه به توازن و فرایند ساختار قدرت در حوزه عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، هر گونه تحلیل، تبیین و بازمایی از چشم انداز و تحولات ژئوپلیتیکی در این حوزه مستلزم تحلیل و تبیین مجموعه ای از عوامل تغییر و تحول ساختاری در آن است که همواره ضمن تأثیرات گسترده درون حوزه ای، سبب لرزش ها و تحولات ژئوپلیتیکی خاص در سطوح مختلف بین المللی می گردند. در اوایل سال ۲۰۱۱ با اوج گیری تدریجی انقلاب ها و خیزش های مردمی در حوزه عربی-اسلامی مناطق شمالی آفریقا و خاورمیانه عربی که ابتدا با سرنگونی زود هنگام زین العابدین بین علی، دیکتاتور تونس، آغاز شد متعاقباً در یک فاصله زمانی یک ماهه، حسنی مبارک در مصر نیز سرنگون گردید. در ادامه ضمن سقوط سرهنگ قذافی، دیکتاتور لیبی، موج گسترده ای از قیام های مردمی، سایر دیکتاتورها و حکام موروثی به خصوص کشورهای یمن، بحرین، اردن و عربستان را در بر گرفت. برخی از تحلیل گران امور بین الملل و استراتژیست های مسائل جهانی از این قیام ها به عنوان دومینوی سقوط دیکتاتورها یاد کردند اما چشم انداز موجود حاکی از آن است که این تحولات سیاسی، دگرگونی های گسترده تری در صحنه سیاست جهانی و نیز مناسبات منطقه ای و بین المللی به همراه خواهد داشت. خیزشهای عمومی در حوزه عربی و اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ریشه در مسائل و معضلات عدیده فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مغفول

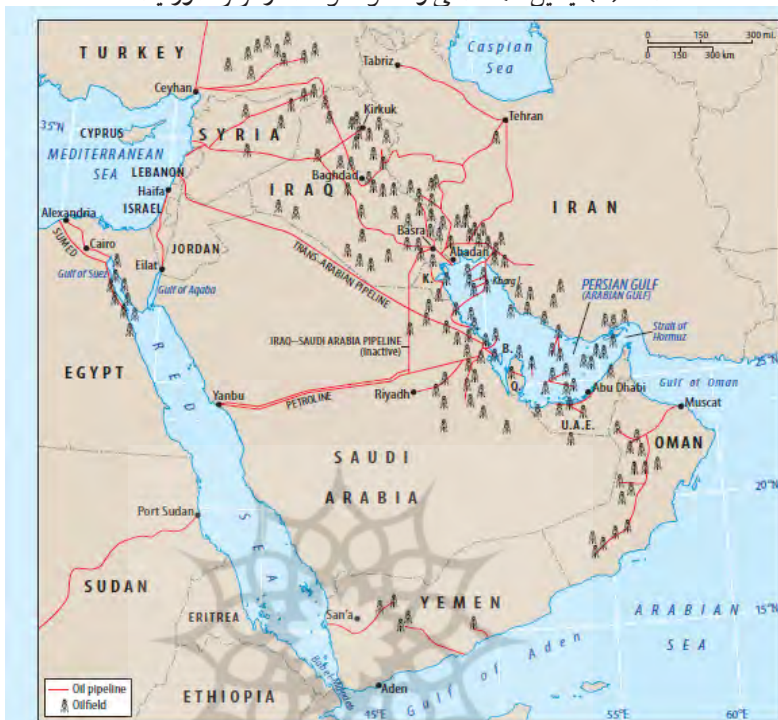
مانده از سوی دولتهای سرنگون شده منطقه دارد (جمالی و شفیع پور، ۱۳۹۲: ۵).

قرار گرفتن ذخایر نفت فراوان در عراق و سوریه به موقعیت ژئوپلیتیک عراق و سوریه در منطقه خلیج فارس و شامات اهمیت فراوانی داده است. به علت تراکم تعداد زیاد میدانهای نفتی کم عمق و عظیم در وسعتی کم، هزینه های استخراج پایین است و آهنگ تولید فوق العاده نفت نیز از دیگر ویژگی های نفت عراق است. در عراق هر چاه به طور متوسط ۱۳۴۸۰ بشکه نفت در روز می دهد مشابه چین چاهی در امریکا فقط روزانه ۱۷ بشکه نفت می دهد. سر ویلسون فرماندار کل سیاسی منطقه در سالهای اشغال عراق توسط انگلستان در مورد اهمیت استراتژیکی عراق می گوید کلید کل منطقه استراتژیک در بغداد است و ما با اشغال عراق توانستیم خنجری در جهان اسلام فرو کنیم و بدین طریق از تجمع مسلمین بر علیه خودمان جلوگیری کنیم. برای ما مسلم است که سیاست ما در زمان صلح باید حفظ این کشور باشد زیرا برای ما بین النهرین مانند میخی است که همه کشورهای زیر سلطه انگلیس را در منطقه نگه می دارد لذا عراق نباید با کشورهای جهان عرب یا سایر کشورهای اسلامی متحد شود بلکه باید به اندازه کافی از آنها دور نگه داشته شود. لذا امروز امریکا و غرب به منظور جلوگیری از اتحاد کشورهای اسلامی و غارت منابع و تسلط بر منابع و کشورهای اسلامی از تاکتیکهای مختلف استفاده می کنند. کنترل صلح اعراب و اسرائیل - جلوگیری از اعمال اراده عراق بر قیمت گذاری و عرضه مستقیم نفت - خطر ساز جلوه دادن عراق و سوریه و در نتیجه بهانه جویی برای حضور دائمی در این کشورها و فشار برای تجزیه این کشورها برای دور نگه داشتن آنها از محور مقاومت و ایران - جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران جزء اهداف آنهاست (عزتی، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۵).

منطقه خاورمیانه از دیر باز تاکنون منطقه حیاتی در امور جهانی و هدف مورد علاقه قدرت های خارجی بوده است موقعیت چهار راهی راهبردی که دارد آن را به دیگ جوشان منازعات تبدیل کرده است. از زمانهای خیلی دور، مسیرهای کاروان رو در خشکی و دریا از جمله راه مشهور ابریشم و ادویه از خاورمیانه و شمال آفریقا می گذشت و کالاهای ارزشمند را بین اروپا و آسیا انتقال می داد. امنیت این مسیرها بسیار حیاتی بود و کشورها نمی توانستند هیچ تهدیدی را بر علیه منافع خود تحمل کنند. در دوران معاصر نیز، دغدغه های ژئوپلیتیکی عمدتاً بر آبراهه های راهبردی منطقه، دسترسی به نفت، دسترسی به آب شیرین، مبارزه با تروریسم و مسیرهای انتقال نفت متمرکز شده است. کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه اغلب با حمایت آمریکا و

با هدف انزوای اقتصادی ایران منابع زیادی را برای تضمین مسیر امن نفت به بازارهای جهانی سرمایه گذاری کرده اند. خاورمیانه مانند منطقه نفت خیز آسیای مرکزی در خشکی محاصره نشده است اما برخی از معضلات و مسائل ژئوپلیتیکی در صادرات نفت منطقه نقش دارند. آنها به خطوط لوله به عنوان بهترین وسیله جایگزین کشتی های نفت کش نگاه می کنند. خطوط لوله ها جذاب هستند چون این خطوط لوله در زمان و هزینه های حمل و نقل دریایی صرفه جویی ایجاد می کنند و نقاط ایست و بازرسی را پشت سر می گذارند اما آنها در مقابل خرابکاری آسیب پذیر هستند. تسلیحات و مواد منفجره می توانند عرضه نفت از طریق لوله را به راحتی مختل کنند. چالش مهم دیگر خطوط لوله ها، چگونگی مسیریابی آنهاست به گونه ای که از سرزمین های دشمنان بالقوه عبور نکند و اینکه چطور دوستی با کشورهایی که خطوط لوله از آنها عبور می کنند را حفظ نمایند. جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ منجر به قطع کانال سوئز و نابودی دو خط لوله جدید شد که برای دوز زدن کانال سوئز ساخته شده بود. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تأثیرات مهمی بر جغرافیای خطوط لوله گذاشت. عربستان سعودی از عراق در این جنگ حمایت کرد و تلاش کرد با کمک کشورهای منطقه تنگه هرمز را دور بزند. عراق هم با ساختن یک خط لوله جهت انتقال بخشی از نفت مناطق جنوبی خود به خط لوله نفتی پترولاین درصدد است تنگه هرمز را دور بزند. سوریه نیز چون متحد ایران بود مورد خشم و فشار عربستان و اسرائیل قرار گرفت. نقاط چک یا گلوگاه آسیب پذیر و روابط سیاسی بی ثبات کشورهای منطقه منجر به تخریب لوله ها و مسیریابی غیر مستقیم بسیاری از خطوط لوله ها شده است که برای اعمال فشار بر ایران و کاهش وابستگی این کشورها به تنگه هرمز و ایران ساخته شده اند (Hobbs, 2009, 229). چنانچه ایران، سوریه و عراق بتوانند مسیرهای زمینی و هوایی امن و مطمئنی از ایران تا دریای مدیترانه داشته باشند وابستگی آنها به تنگه هرمز نیز کم خواهد شد و ایران بهتر می تواند با تهدیدات امریکا و متحدانش در خلیج فارس یا سایر مناطق مقابله داشته باشد. لذا امریکا و صهیونیستها با تمام قدرت سعی کردند تمام زیرساختهای عراق و سوریه را از بین ببرند و مانع اتصال راه زمینی ایران، عراق، به سوریه تا مدیترانه شوند ولی ایران باید تلاش کند هر چه سریع تر این مسیر بازگشایی یا احداث شود و روابط اقتصادی با سوریه و عراق را بهبود بخشیده و بخش مهمی از صادرات ایران از این مسیر جهت خنثی سازی تهدیدات و استفاده از این محور راهبردی به مدیترانه بهره ببرد.

نقشه (۲) میادین عمده نفتی و خطوط لوله ها در مرکز خاورمیانه



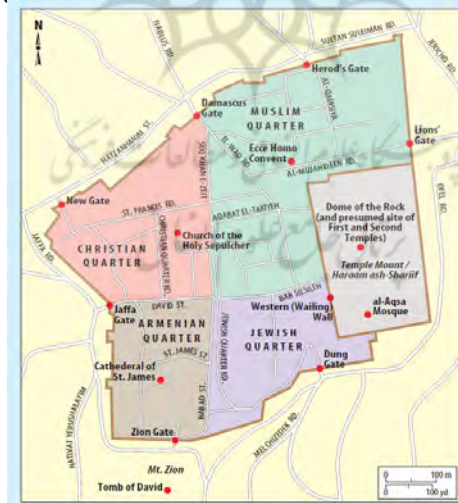
(Hobbs, 2009, 229)

۵- تشدید تعارض بین اسلام و یهودیت قبل و پس از بیداری اسلامی

شهر قدیمی بیت المقدس مملو از مکانهای مقدس و یکی از مقاصد زیارت مردم در جهان است. در طی بیش از هزاران سال، شهر بیت المقدس مورد توجه مردمان دارای کیشها و مذاهب گوناگون بوده است. در این فرایند، مکانی توسط یک گروه مقدس در نظر گرفته شده است و در عین حال برای گروه دوم یا سوم نیز مقدس است. مهم ترین چیز روی این نقشه این است که موقعیت اولین و دومین معبد یهودی با موقعیت گنبد صخره مسلمانان تلاقی جغرافیایی دارند و مکانهای مقدس پیروان هر دو دین مورد اختلاف بوده و سبب بروز تعارض و رقابت بر سر مالکیت و کنترل نواحی مورد ادعا شده است. مکانهای مقدس یهود، اسلام و مسیحیت در مناطق خودشان به هم نزدیک هستند و بسیاری از پندارها یا مفاهیم اساسی آنها خیلی نزدیک به هم هستند اما مذاهب آنها در عمل به هم پیوسته و همگام نیستند برای مثال، مذاهب مایا

و کاتولیک در مزو آمریکا بودند یا بودیسم و دیگر سنتها و مذاهب دیگر در شرق آسیا بودند. در هر یک از این مذاهب سنت طولانی مجادله بر سر مالکیت مکانهای مقدس بیت المقدس وجود داشته است. در هیچ جای جهان مکانهای مذهبی مورد مناقشه ای وجود ندارد که به اندازه مکانهای مذهبی بیت المقدس مورد اختلاف بوده و پتانسیل ایجاد خشونت و جنگ کامل را داشته باشند. شکل ۶/۱ نقش مکان مذهبی بیت المقدس را در تاریخ متلاطم و بی ثبات منطقه و مکانهای مقدس و مهم یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را به تصویر کشیده است و همچنین مناطق قومی این شهر را نشان می دهد شهر قدیمی محصور شده در درون دیوار یک مدینه قدیمی می باشد (Hobbs, 2009, 223). از آنجا که بین ادیان توحیدی، دین یهود نزدیکترین فاصله جغرافیایی را با کانون جغرافیایی ظهور اسلام داشت و از آنجا که اسلام دارای رسالت و پیام جهانی بود قطعا حوزه نفوذ دیگر ادیان را تحت تاثیر قرار داد. لذا به دلیل وجود این قرابت جغرافیایی از زمان نزول اسلام، دو دین یهود و اسلام در تعارض با یکدیگر قرار گرفتند. از دیگر دلایل تعارض این دو دین تقابل جغرافیایی بر سر مکان های مقدس یهودیان با چند مکان مقدس اسلامی در فلسطین است سبب بروز رقابت و تعارض بر سر مالکیت و کنترل این نواحی در طول تاریخ شده است (لشگری نقرشی، احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۱۰۱).

شکل (۱) مکانهای مقدس، بیت المقدس، و مناطق قومی، این شهر



(Hobbs, 2009, 223)

نتیجه گیری

افزایش مداخلات خارجی در منطقه، افزایش ضریب حساسیت منطقه نسبت به ورودی های برون منطقه ای - عدم تکامل منطقه به صورت طبیعی و وجود ساختارها و فرایندهای ناقص منطقه ای - تعارضی بودن الگوهای رفتاری واحدهای درگیر در منطقه - محدودیت همکاری درون منطقه ای، آسیب پذیر بودن واحدهای محور در شبکه منطقه ای ژئوپلیتیکی، آسیب پذیر بودن مرزهای سیاسی، آسیب پذیر بودن نظام سیاسی از طریق براندازی و جنگ، پایگاه سازی در منطقه از طریق قدرت یا قدرتهای خارجی از جمله عواملی هستند که تغییرات و تحولات منطقه خاورمیانه را در چارچوب رهیافت یا مدل ژئوپلیتیک امنیت منطقه ای تبیین می کنند و در حقیقت ما شاهد وقوع رویدادهای فوق الذکر و نقش آفرینی آنها در حیات سیاسی و اجتماعی منطقه خاورمیانه هستیم و این عوامل و متغیرها نقش مهمی در سرنوشت آینده منطقه خاورمیانه ایفا خواهند کرد. مناطقی از عراق و سوریه به ویژه کردستان عراق از چند جهت می تواند زمینه ساز توطئه های امریکا، ناتو و غرب باشد: تقویت ناسیونالیسم کردی و وعده ایجاد کردستان بزرگ و استقلال کردها از طرف امریکاییها و در نتیجه فشار بر کشورهای منطقه - فقر و بی سوادی سبب شده تا دشمنان عراق و سوریه بتوانند راحت تر در بین آنها نفوذ کرده و زمینه مناسبی برای پیشرفت سریع نقشه های امریکا و اسرائیل ایجاد کرده است (عزتی، ۱۳۸۱: ۵۵).

هدف غرب از دخالت در امور کشورهای منطقه خاورمیانه و حمایت از گروههای تروریستی، مدیریت تحولات منطقه و تحولات آن در راستای منافع بلند مدت غرب و همپیمانان غرب بر منطقه، ایجاد وابستگی یک سویه و آسیب پذیری اقتصادی، همبستگی سرمایه گذاران خارجی با نیروهای تروریستی و ارتجاعی منطقه و دولتهای وابسته و همپیمان غرب، توسعه نفوذ سیاسی کشورهای غربی و ناتو بر کشورهای منطقه، مصرف گرایی و کلاسی شدن زندگی، اختلالات هویتی و فرهنگی و بحران هویت و ایجاد تزلزل در باورها و ارزشهای سنتی مردم منطقه، تجزیه سرزمینی و بالکانیزه سازی کشورهای منطقه برای سلطه و دسترسی آسان تر به منابع منطقه و تحقق اهداف ژئوپلیتیکی خود مبنی بر مهار و کاهش نفوذ ایران و محور مقاومت و تحت فشار قرار دادن روسیه و چین و تهدید منافع آنها در خاورمیانه، آسیای مرکزی، افریقا و قفقاز، ترویج الگوی اجتماعی سیاسی سکولار و متناسب با فرهنگ غرب می باشد. به هر حال داعش تبدیل به بخشی از معضلات امنیتی خطرناک خاورمیانه شده که علاوه بر راهکارهای نظامی و اطلاعاتی

برای مقابله با آن، منطقه خاورمیانه بیشتر نیازمند راهکارهای سیاسی و رایزنی های داخلی و بین المللی و دیپلماسی فرهنگی برای دفع این معضل و بحران است. توضیح آنکه از دیدگاه ایران، سوریه خط مقدم جبهه مبارزه با توسعه طلبی اسرائیل است و اگر دولتی غربی در سوریه قدرت را به دست بگیرد، قطعاً به نفع ایران و جبهه مقاومت نخواهد بود. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران از دولتی حمایت می کند که متحد مقاومت است. از نگاه روسیه، این وجه موضوع که نباید در سوریه با مداخله غرب حکومتی طرفدار آمریکا در دمشق به قدرت برسد با نگاه ایران نزدیک است. اما در باره وجه ضد صهیونیستی بودن آن و حمایت از مقاومت، مسکو دیدگاه متفاوتی دارد. از طرف دیگر، هم ایران و هم روسیه از انجام اصلاحات در ساختار نظام سیاسی کنونی سوریه به منظور ایفای نقش گسترده تر مردم سوریه برای تعیین سرنوشت شان حمایت می کنند و معتقدند از طریق مسالمت آمیز می توان به راهکاری برای همکاری بین دولت و مخالفان دست یافت. (Ruth, 2014: 86) اما هر دو کشور روسیه و ایران مداخلات سایر کشورها در زمینه مسلح کردن مخالفان اسد را نمی پذیرند و این اقدام را زمینه ساز منطقه ای شدن بحران در خاورمیانه می دانند. علاوه بر این، روسیه و ایران مداخله نظامی در سوریه تحت هر پوشش و عنوانی را بر نمی تابند و با هر اقدام مداخله جویانه ای که مردم سوریه را از حق تعیین سرنوشت خود محروم سازد، مخالف هستند.

منابع

۱. نیاکوئی، امیر، بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها فصلنامه روابط خارجی، شماره ۴، زمستان، صص ۹۵-۱۳۵
۲. اتوتایل، ژناروید و دیگران، (۱۳۸۱) اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمد رضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۳. اخباری، محمد، عبدی، عطا الله، نختاری هشی، حسین، ۱۳۸۹، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و تلاش های آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان، فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، بهار ۱۳۹۰ ص: ۳
۴. جمالی، جواد، شفیع پور، ابراهیم (۱۳۹۲) انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام، چالشها و فرصتها، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم تابستان، شماره ۳۳، ۱۴۱-۱۵۶
۵. هانتر، شیرین، خاستگاه داعش از نگاه تحلیلگران، نقل شده در سایت <http://homayun.org>، JANUARY 7, 2015.
۶. عزتی، عزت الله، ۱۳۸۱، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، صص: ۵۰-۳۸۵
۷. کمپ، جی، هارکاو، ۲۰۰۴، اندیشه امریکا در طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۵، تهران
۸. یزدانی، عنایت الله و مرتضی شجاع (۱۳۸۶)؛ ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و رقابت قدرتها، فصلنامه دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶
9. Berti, Benedetta (2011b) Can Hezbollah Cope With A Changing Middle.
10. Blog, George Washington's (2016) The Yinon Plan: Balkanization for Greater Israel, ProgressivePress.com, San Diego, Calif.
11. Dalema, f. (2017), the evolution of turkey Syriapolicy IstitutoAffari International Via dei Montecatini, 17 - 00186 Roma
12. Esposito, John.L.(2002)Unholy War: Terror in the Name of Islam (Oxford: Oxford University Press, p. 28.
13. huntington, samual(1993) "clash of civilization" foreign affairs.volume72.no3.

14. Ruth, Sherlock, (20 January 2014). "Exclusive interview: why I defected from Bashar al-Assad's regime, by former diplomat Nawaf Fares". Telegraph (London). Retrieved 20 January 2014.
15. fouapon,alassa,(2013),western imperialism and neo-colonial strategy of the clash of civilization in the Muslim world,pp:357-367.
16. Gunaratna, Rohan (2002), Inside al Qaeda: Global Network of Terror (New York: Cambridge University Press, 2002), p. 3.
17. Heydemann, steven,) 2013), Syria's uprising: sectarianism, pp: 5-7
18. Hobbs, Joseph J. (2009) World Regional Geography, Brooks/Cole. USA, international.cengage.com
Jürgen, Wagner, (2011), USA and Middle East – the real agenda of the American energy policy: The Balkanization of the Region and the Coming War with Iran, pp: 2-5
19. Leonard, John-Paul (2016) Ambassadors of Terror, January-February 29, 2016. ProgressivePress.com, San Diego, Calif.
20. Mortada, Radwan .(2014) Al Khabar English, "Al-Qaeda leaks: Baghdadi and Golani fight over the Levant Emirate.", January 10, 2014.
21. Nazemroaya,(2014) Wiping Out the Christians of Syria and Iraq to Remap the Mid-East: Prerequisite to a Clash of Civilizations? pp: 1-5
22. Nazemroaya, Mahdi Darius,(2014), The ISIL or DAISH Caliphate in Iraq and Syria is a US Project, p: 1
23. Sepahpour, Soraya,(2014), Terror in Iraq: Roots and Motivation, pp: 1-5
24. Tarpley, Webster (2016) Islamic Fundamentalism: Fostered by US Foreign Policy, Excerpts from 9/11 Synthetic Terror, Ch. XVI... ProgressivePress.com